

خرچنگ مهربان

یک کوسه در دریا ...



یک کوسه در دریا

افتاد دنبال

یک ماهی زیبا

از دور یک خرچنگ

از روی سنگی سخت

می دید آن ها را

فریاد زد خرچنگ

"قایم شو ماهی جان

زودی بیا این جا"

ماهی خودش را در

چنگال او جا کرد

ترسیده بود اما...

کوسه تمام روز

هی گشت و گشت و گشت

رفت آخر از آن جا

خوش حال شد ماهی

بیرون پرید و گفت:

"من زنده ام هورا"